

رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و سازگاری با دانشگاه: نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله با استرس*

Relationship between Family Communication Patterns and Adjustment to University: Mediating Role of Coping Strategies

M. Ehyakonandeh, Ph.D. Student

منیژه احیاء‌کننده

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی پردیس بین‌الملل دانشگاه شیراز

Faculty of Education and Psychology, Shiraz University International Division, Shiraz, Iran

F. Yousefi, Ph.D.

دکتر فریده یوسفی

دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

دریافت مقاله: ۹۵/۷/۲۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۶/۲/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۶/۳/۳۰

Abstract

This study was aimed to investigate the relationship between family communication patterns and students' adjustment to university with the mediating role of coping strategies. Research design was correlational and the statistical population was all undergraduate students at Islamic Azad University, Behbahan Branch. To conduct this study, 523 students who were selected by random multi-stage cluster sampling method, completed the revised Family Communication Pattern, the Multidimensional Coping Inventory, and the Student Adaptation to College Questionnaire.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و سازگاری دانشجویان با دانشگاه با توجه به نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله با استرس، اجرا شد. پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان بود. برای انجام پژوهش ۵۲۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و ابزارهای سنجش شامل پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی خانواده، شیوه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و پرسش‌نامه سازگاری دانشجویان با دانشگاه را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که الگوی گفت و شنود قدرت پیش‌بینی سازگاری با دانشگاه را به طور مستقیم و معنادار دارد.

* برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول

نویسنده مسئول: شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

پست الکترونیکی: Yousefi@shirazu.ac.ir

Corresponding author: Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran
Email: Yousefi@shirazu.ac.ir

The findings showed that the family conversation orientation could directly and significantly predict adaptation to university. The relationship between problem-oriented coping and adjustment to university was positive and statistically significant; while the relationship between emotion-oriented copying and adjustment to university was negative and statistically significant. Also, the relationship between family communication patterns and coping strategies was significant. In addition, family communication patterns could indirectly predict the adjustment to university through coping strategies as a mediator. All in all, it can be concluded that the family conversation orientation through problem-oriented coping strategy can positively affect students' adjustment to university, and the family conformity orientation through emotion-orientated coping strategy can negatively influence it.

Keywords: Family Communication Patterns, Coping Strategies, Adaptation to University.

رابطه راهبرد مسئله‌مدار با سازگاری با دانشگاه به صورت مثبت و معنی‌دار و رابطه راهبرد هیجان‌مدار با سازگاری با دانشگاه به صورت منفی و معنی‌دار بود. همچنین، بین الگوهای ارتباطی خانواده با راهبردهای مقابله با استرس رابطه معنی‌دار به دست آمد. علاوه بر این، الگوهای ارتباطی خانواده توانست از طریق واسطه‌گری راهبردهای مقابله با استرس، به نحو غیرمستقیم نیز سازگاری با دانشگاه را پیش‌بینی نماید. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که الگوی گفت و شنود خانواده از طریق راهبرد مسئله‌مدار و الگوی هم‌نوایی از طریق راهبرد هیجان‌مدار می‌توانند به ترتیب به صورت مثبت و منفی بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه اثر بگذارند.

کلیدواژه‌ها: الگوهای ارتباطی خانواده، راهبردهای مقابله با استرس، سازگاری با دانشگاه.

مقدمه

انتقال از آموزش متوسطه به دانشگاه مرحله‌ای انتقالی در رشد جوانانی است که در آغاز ورود به دنیای بزرگسالی هستند. دوره جدید با آزادی‌های بیشتر، چالش‌های تحصیلی، مسئولیت‌ها و انتظارات متفاوت از دوره‌های پیشین متمایز می‌شود. طی این دوره دانشجویان چالش‌های متعددی را تجربه می‌کنند که ممکن است با آشفتگی‌های هیجانی، مانند احساس تنهایی، غم غربت، حالت سوگ و افزایش احتمال مصرف مواد همراه باشد (لوبکر و اتزل^۱، ۲۰۰۷). با توجه به این امر سازگاری دانشجویان^۲ فرآیندی است که همواره مورد توجه متخصصان و مشاوران برای کمک به آنان واقع شده است. بیکر^۳ (۲۰۰۴) سازگاری دانشجو با دانشگاه را تجربه دانشجو از سازگاری تحصیلی^۴، اجتماعی^۵ و شخصی - عاطفی^۶ با محیط آموزشی از زمان ورودش به مؤسسه و همچنین دل بستگی به مؤسسه^۷ می‌داند. سازگاری تحصیلی با دستیابی به اهداف تحصیلی و مقتضیات اصلی دانشگاه مرتبط است. در صورت وجود این نوع سازگاری دانشجو توانایی خود را برای انجام تکالیف درسی و ملزومات آموزشی به کار می‌گیرد.

توجه به مقتضیات اجتماعی بین‌فردی در تجارب دانشگاهی برای سازگاری اجتماعی لازم است. سازگاری اجتماعی، اشتیاق به درگیری در رویدادها و فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که باعث ایجاد تداوم روابط با افراد

دیگر می‌شود. سطوح بالای این نوع سازگاری حاکی از رضایت دانشجویان از جنبه‌های اجتماعی دانشگاه است و سطوح پایین آن با احساس تنهایی و ادراک دانشجویان از فرصت‌های اندک تعامل اجتماعی قابل دسترس در رابطه است. سازگاری شخصی - عاطفی به سطح اضطراب روان‌شناختی و تغییرات جسمی وابسته به آن که دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه تجربه می‌کنند، اشاره دارد. سازگاری مثبت به سلامتی روانی و جسمی منجر می‌شود. دانشجویانی که به خوبی با محیط سازگار نمی‌شوند با احتمال بیشتری اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند. منظور از دلبستگی مؤسسه‌ای میزان علاقه‌مندی و همانندسازی و تعهد فرد به دانشگاه یا دانشکده، اساتید، رشته تحصیلی و هم‌کلاسی‌ها است. میزان لذت فرد از بودن در دانشگاه، اشتغال ذهنی برای رها کردن دانشکده، اشتغال ذهنی برای پیدا کردن زمانی برای دور شدن از دانشگاه، ترجیح دانشگاه‌های دیگر به دانشگاه خود، به فکر انتقال یافتن از آن دانشگاه یا دانشکده به مکان آموزشی دیگر حالاتی هستند که به این بعد سازگاری مربوط می‌شوند (بیکر، ۲۰۰۴).

ترکیب عواملی، باعث شکل‌گیری سازگاری در دانشجویان می‌شود. به منزله بخشی از پیشایندهای سازگاری با دانشگاه، می‌توان از نوع رابطه و تعاملات در خانواده نام برد. مدل الگوهای ارتباطی خانواده^۸، یکی از مدل‌های مطرح در مورد خانواده است که به تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری مؤثر با محیط می‌پردازد. مفهوم الگوهای ارتباطی خانواده به چگونگی ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و این که افراد خانواده چگونه ارتباطات خانوادگی را معنا می‌کنند، اشاره دارد (فیتزپاتریک و کوئتر^۹، ۲۰۰۵). در الگوهای ارتباطی خانواده، دو بعد زیربنایی هم‌نوایی^{۱۰} و گفت و شنود^{۱۱} شناسایی شده است. بعد هم‌نوایی مصداق و درجه‌ای از الگوهای ارتباط خانوادگی است که بر اعضا در جهت یکسان کردن نگرش، ارزش‌ها و عقاید، فشار می‌آورد (فیتزپاتریک و کوئتر، ۲۰۰۵). خانواده‌هایی که در این بعد نمرات بالاتری را می‌گیرند بر هم‌نوایی کردن عقاید و نگرش‌ها تأکید می‌کنند. این نوع جهت‌گیری بر هماهنگی، اجتناب از تعارض و کشمکش و وابستگی و چسبندگی اعضا به یکدیگر تأکید دارد. ارتباط در این خانواده‌ها منعکس‌کننده اطاعت از بزرگسالان و والدین است (کوئتر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). فرزندان در این خانواده‌ها از سلامت روان (لطیفیان و فخاری^{۱۲}، ۱۳۹۳؛ حاجی‌زاده، رفاهی، تابع‌بردبار و حقیقی^{۱۳}، ۲۰۱۲) و سلامت جسمی و اجتماعی (حاجی‌زاده و همکاران، ۲۰۱۲) پایینی برخوردارند.

بعد مهم دیگر در این الگو بعد گفت و شنود است که به درجه و میزان که خانواده، فضایی آزاد و راحتی را برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کنند، گفته می‌شود. در خانواده‌هایی که در این بعد بالا هستند، اعضای خانواده بدون هیچ محدودیتی ارتباط دارند. این خانواده‌ها زمان زیادی را در جهت ارتباط متقابل و بحث درباره موضوعات مختلف، صرف می‌کنند. افراد خانواده، فعالیت‌های انفرادی، افکار و احساسات‌شان را با دیگر اعضای خانواده در میان می‌گذارند و اعضا در کنار یکدیگر و با هم تصمیم می‌گیرند (کوئتر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت و شنود، تشویق به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، منجر به شکل‌گیری استقلال و احساس منحصر به فرد بودن (از ابعاد سازگاری فردی - عاطفی) فرزندان می‌شود (شروت، لدبتر و اهرت^{۱۴}، ۲۰۰۷). فرزندان این خانواده دارای سلامت روان (لطیفیان و فخاری، ۱۳۹۳) و موفقیت تحصیلی (خانی، صادقی‌فرد و برومند^{۱۵}، ۲۰۱۵) بالایی هستند.

ژیا^{۱۶} (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که پیشرفت تحصیلی (از ابعاد سازگاری تحصیلی) فرزندان با مؤلفه‌های چندگانه خانواده همانند باورها و انتظارات والدین، اعمال انضباطی، مداخلات والدین، محیط عاطفی حاکم بر خانواده و منابع در دسترس خانوادگی ارتباط دارد. تجلی و اردلان^{۱۷} (۱۳۸۹) نشان دادند که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده با سازگاری تحصیلی رابطه مثبت و جهت‌گیری هم‌نوایی با سازگاری تحصیلی رابطه منفی دارد.

رویتر و کوئر^{۱۸} (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان دادند که نوجوانان متعلق به خانواده‌های با الگوی ارتباطی گفت و شنود دارای سازگاری بیشتری هستند. موسوی، تاران، ابراهیمی، شیرمحمدی و کلانتری^{۱۹} (۲۰۱۵) به بررسی رابطه عملکرد خانواده و شایستگی اجتماعی در بین دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد که بین ارتباطات خانواده و مشارکت عاطفی اعضای آن با شایستگی اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار و بین کنترل رفتار توسط والدین با شایستگی اجتماعی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش روستا، اصفهانی‌بیات و عیاضی‌نیا^{۲۰} (۲۰۱۴) نشان داد که تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان با موفقیت تحصیلی و دانش‌آموزان با افت تحصیلی برحسب الگوهای ارتباطی خانواده وجود دارد. دانش‌آموزانی که موفقیت تحصیلی داشتند، دارای خانواده‌هایی با الگوهای ارتباطی گفت و شنود و دانش‌آموزانی که افت تحصیلی داشتند، متعلق به خانواده‌هایی با الگوهای ارتباطی هم‌نوایی بودند.

نتایج پژوهش منسا و کورانچی^{۲۱} (۲۰۱۳) نشان داد شیوه فرزندپروری والدین بر رشد مهارت‌های اجتماعی فرزندان مؤثر است. والدینی که دارای سبک فرزندپروری قاطع بودند فرزندان با مهارت‌های اجتماعی (از ابعاد سازگاری اجتماعی) بالا داشتند، در حالی که والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه، فرزندان با مهارت‌های اجتماعی پایین داشتند. نتایج پژوهش خانی و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داد که از بین الگوهای ارتباطی خانواده، الگوی ارتباطی گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده بهتری برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه مؤثر باشد، راهبردهای مقابله با استرس^{۲۲} است. نکته مهم این‌که اگرچه اجتناب از منابع استرس‌زا برای دانشجویان غیرممکن به نظر می‌رسد، اما توانایی آن‌ها برای تطابق با نیازها و مقابله با این عوامل فشارزا در رسیدن به موفقیت در محیط تحصیلی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد (سیدفاطمی، تفرشی و حقانی^{۲۳}، ۲۰۰۷). مقابله، تلاش‌های فرد در زمینه‌های هیجانی، شناختی و رفتاری است که هنگام رویارویی با فشار روانی برای غلبه، تحمل یا به حداقل رساندن عوارض فشار روانی به کار گرفته می‌شود. به عبارتی مقابله رویکردی هوشیارانه است که فرد برای غلبه بر وقایع پراسترس از طریق فرایند محدودسازی به کار می‌بندد (عبداله، ایس، یولی و محی‌الدین^{۲۴}، ۲۰۱۰). به نظر لازاروس و فولکمن^{۲۵} (۱۹۸۴)، مقابله دو کارکرد مهم دارد: تنظیم هیجان‌های ناگوار و درمانده‌کننده و در پیش گرفتن کنشی برای تغییر و بهبود مسئله‌ای که باعث ناراحتی شده است. پارکر و اندلر^{۲۶} (۱۹۹۲) جهت بررسی فرایند مقابله، افراد را برحسب سه نوع اساسی سبک مقابله‌ای متمایز می‌سازند: سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار^{۲۷}، سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار^{۲۸} و سبک مقابله اجتنابی^{۲۹}. سبک مقابله مسئله‌مدار شیوه‌هایی را توصیف می‌کند که بر اساس آن فرد اعمالی را برای کاستن یا از بین بردن استرس انجام می‌دهد. رفتارهای مسئله‌مدار شامل جست‌وجوی اطلاعات بیشتر درباره مسئله، تغییر ساختار مسئله از نظر شناختی و اولویت

دادن به گام‌هایی برای رویارویی با مسئله است. برعکس، سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار شیوه‌هایی را توصیف می‌کند که بر اساس آن فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خویش است. واکنش‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار شامل گریه کردن، عصبی و ناراحت شدن، پرداختن به رفتارهای عیب‌جویانه، اشتغال ذهنی و خیال‌پردازی است. سرانجام سبک مقابله‌ای اجتنابی مستلزم فعالیت و تغییرات شناختی است که هدف آن‌ها اجتناب از موقعیت استرس‌زا است. رفتارهای مقابله‌ای اجتنابی ممکن است به شکل روی آوردن و درگیر شدن در یک فعالیت تازه و یا به شکل روی آوردن به اجتماع و افراد دیگر ظاهر شود (بارکر و اندلر، ۱۹۹۲).

اکثر افراد از چندین راهبرد مقابله‌ای در موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند که اغلب ترکیبی از اشکال مسئله‌مدار و هیجان‌مدار است. لازم به ذکر است که از راهبردهای مقابله‌ای مختلف در مراحل متفاوتی از مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌شود. در مراحل ابتدایی یک تجربه استرس‌زا، اغلب بر راهبردهای هیجان‌مدار تکیه می‌شود که به افراد کمک می‌کند تا از نظر هیجانی از مشکل دوری کنند. زمانی که تعادل هیجانی برقرار شد بر راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار تکیه می‌شود تا راه‌حل‌های ممکن شناسایی شوند (راجش‌کومار^{۳۰}، ۲۰۱۱).

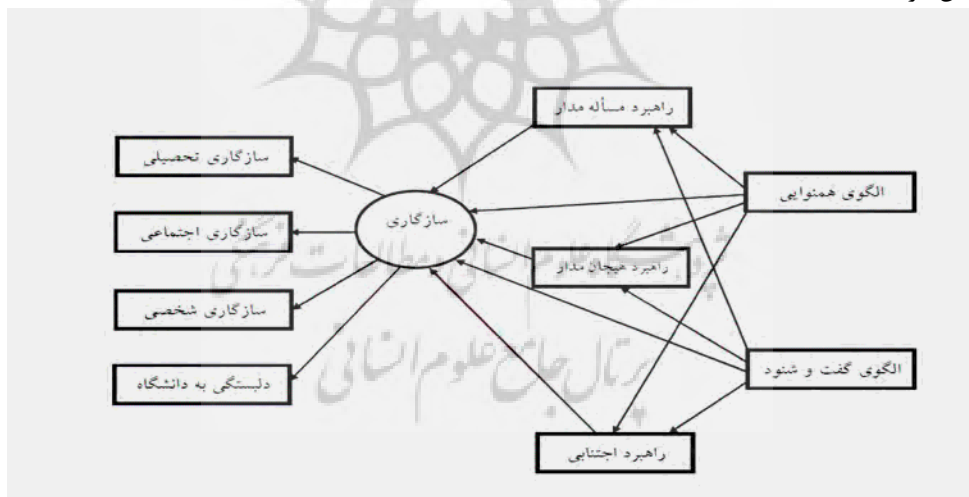
کمالی‌ایگلی و حسنی^{۳۱} (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد مسئله‌مدار دارای سلامت روانی (از ابعاد سازگاری فردی - عاطفی) بیشتری نسبت به افراد هیجان‌مدار هستند. همچنین نتایج پژوهش غضنفری و قدم‌پور^{۳۲} (۱۳۸۷) نشان داد که راهبردهای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار به طور متفاوتی واریانس سلامت روانی و مؤلفه‌های آن را به صورت معناداری تبیین می‌کنند. نتایج تحقیق گونزالز، تین، ساندرل و فریدمن^{۳۳} (۲۰۰۱) نشانگر آن است که مهارت‌های مسئله‌مدار، در مقایسه با شیوه‌های اجتناب از رویارویی، از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برای پیشرفت تحصیلی (از ابعاد سازگاری تحصیلی) برخوردارند.

سپهریان‌آذر^{۳۴} (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین سبک مقابله هیجان‌مدار با پیشرفت تحصیلی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش اسمدما، کاتالانو و ابینر^{۳۵} (۲۰۱۰) حاکی از آن بود که متغیرهای مقابله مثبت شامل امید، سبک مقابله فعال و حس شوخ‌طبعی با بهزیستی روانی (سلامت روانی) رابطه مثبت و متغیرهای مقابله منفی شامل ادراک استرس، نگرش‌های ناکارآمد و فاجعه‌انگاری با بهزیستی روانی (سلامت روانی) رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش ضرغام حاجبی، نعیمیان و ارسنجانی^{۳۶} (۲۰۱۵) حاکی از آن بود که بین راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار و راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار با سلامت روانی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنادار و بین راهبرد مقابله‌ای اجتنابی با سلامت روانی دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار است.

محور اصلی مطالعات خانواده، امروزه بیشتر در جهت این موضوع است که چگونه افراد در برخورد با عوامل استرس‌زا توان مقابله را دارا هستند و چگونه خانواده بر این توانایی اساسی افراد اثر می‌گذارد (فیتزپاتریک و کوئنر، ۲۰۰۵). یافته‌های پژوهش کوئنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) نشان داد که فرزندان خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت و شنود زیاد، مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله (از راهبردهای مقابله با استرس) رشدیافته‌تری دارند و کمتر دچار عواطف منفی می‌شوند. پژوهش اسمیت، پرینز، دوماس و لوفلین^{۳۷}

(۲۰۰۱) نشان داد خانواده‌هایی که با فرزندان‌شان در مورد مسائل مختلف گفت‌وگو و مشارکت دارند و در تعریف نقش‌ها، قوانین و جایگاه افراد در رویارویی با مسائل انعطاف نشان می‌دهند، فرزندان‌شان از توانایی حل مسئله، اعتماد به دیگران، ایمان به قدرت خود و حس استقلال بیشتری برخوردارند. نتایج پژوهش طاهری، زندی‌قشقایی و هنرپروران^{۳۸} (۱۳۹۱) نشان داد که بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با سبک‌های مقابله‌ای رابطه معناداری وجود دارد. در گروه دختران سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار و سبک مقابله‌ای اجتنابی با متغیر گفت و شنود و سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار با متغیر هم‌نوایی دارای رابطه مثبت و معنادار و در گروه پسران سبک مقابله‌ای اجتنابی با متغیر گفت و شنود و سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار با متغیر هم‌نوایی دارای رابطه مثبت و معناداری بود.

در یک جمع‌بندی باید گفت بررسی متون پژوهشی نشان داد که پژوهش‌های اندکی به رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های مقابله‌ای پرداخته‌اند، اما در هیچ یک از آن‌ها اثر این دو متغیر بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه مورد بررسی قرار نگرفته است. از سوی دیگر، پژوهشی یافت نگردید که به بررسی روابط هم‌زمان بین سه متغیر الگوهای ارتباطی خانواده، سبک‌های مقابله‌ای و سازگاری با دانشگاه پرداخته باشد. همچنین در مطالعات صورت گرفته، سازگاری با دانشگاه و ابعاد چهارگانه آن نیز با توجه به رویکرد بیکر (۲۰۰۴) مد نظر قرار نداشته است و به جای بررسی مستقیم آن، از متغیرهایی استفاده شده است که به طور غیرمستقیم نشانگر سازگاری و ابعاد آن هستند (مانند پیشرفت تحصیلی و شاخص‌های سلامت روان). از این رو، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف‌های پژوهشی صورت گرفت تا بتواند با بهره‌گیری از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به بررسی نقش سبک‌های مقابله‌ای به عنوان فرایندی که احتمالاً می‌تواند الگوهای ارتباطی خانواده را به سازگاری دانشجویان در دانشگاه پیوند بزند، بپردازد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین این سه متغیر مطابق با الگوی مفهومی ارائه شده در نمودار ۱ تعیین گردید.



نمودار ۱: مسیریابی الگوی پیشنهادی

در این راستا، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

۱. الگوهای ارتباطی خانواده با راهبردهای مقابله با استرس رابطه دارد.
۲. الگوهای ارتباطی خانواده با سازگاری با دانشگاه رابطه دارد.
۳. راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری با دانشگاه رابطه دارد.
۴. الگوهای ارتباطی خانواده، با سازگاری با دانشگاه از طریق واسطه‌گری راهبردهای مقابله با استرس رابطه دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع توصیفی (غیرآزمایشی) بوده و طرح پژوهش از نوع طرح‌های همبستگی (مدل‌یابی معادلات ساختاری^{۳۹}) است. در این پژوهش الگوهای ارتباطی خانواده (متغیر مشاهده‌پذیر) به عنوان متغیر برون‌زاد، راهبردهای مقابله با استرس (متغیر مشاهده‌پذیر) به عنوان متغیر واسطه‌ای و سازگاری با دانشگاه (متغیر مکنون) به عنوان متغیر درون‌زاد مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان به تعداد ۴۴۵۸ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای^{۴۰} و مطابق با ملاک کلان^{۴۱} (۲۰۱۱) به حجم تقریباً ۳/۵ برابر تعداد گویه‌های ابزارهای مورد استفاده در پژوهش به تعداد ۵۲۳ نفر (۳۰۲ زن و ۲۲۱ مرد) انتخاب شدند. به این صورت که به شکل تصادفی ابتدا از هر یک از گروه‌های رشته‌های علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی - فنی - مهندسی سه رشته (جمعاً ۹ رشته) انتخاب شد. از گروه علوم تجربی رشته‌های کودک‌یاری، پرستاری و صنایع غذایی، از گروه علوم انسانی رشته‌های آموزش ابتدایی، حقوق و روان‌شناسی و از گروه ریاضی - فنی - مهندسی رشته‌های حسابداری، عمران و کامپیوتر انتخاب شد. سپس از هر رشته، سه کلاس، جمعاً ۲۷ کلاس، و از هر کلاس ۲۰ نفر انتخاب گردید. ملاک‌های ورود، تحصیل در دوره کارشناسی دانشکده‌ها و عدم آشنایی قبلی با ابزارهای سنجش این پژوهش و ملاک‌های خروج انصراف دانشجویان از پاسخ‌گویی، داشتن بیماری جسمانی و روان‌شناختی بارز و مصرف داروهای روان‌پزشکی بود.

ابزارهای پژوهش

به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از این پرسش‌نامه‌ها استفاده شد:
پرسش‌نامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده^{۴۲}: این ابزار توسط ریچی و فیتزپاتریک^{۴۳} (۱۹۹۰) طراحی شده و میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را با ۲۶ گویه که درباره وضعیت ارتباطات خانواده وی هستند، در دامنه ۵ درجه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. نمره ۴ معادلاً موافقم و نمره صفر معادلاً کاملاً مخالفم است. ۱۵ گویه اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گویه بعدی مربوط به بعد جهت‌گیری هم‌نوایی هستند. هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می‌آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی در خانواده خود به ترتیب جهت‌گیری گفت و شنود یا هم‌نوایی بیشتری را ادراک می‌کند. فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) گزارش داده‌اند که ضریب پایایی به روش بازآزمایی در سه گروه سنی

متفاوت بعد از یک دوره سه‌هفته‌ای در مورد جهت‌گیری گفت و شنود نزدیک به ۱ و در مورد جهت‌گیری هم‌نوایی بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۳ بوده است. روایی محتوایی و ملاکی پرسش‌نامه نیز در پژوهش کوئتر و فیتز پاتریک (۲۰۰۲) احراز گردیده است.

در پژوهش کوروش‌نیا و لطیفیان^{۴۴} (۱۳۸۶) روایی این ابزار با روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی^{۴۵} و همسانی درونی بررسی شده است. نتیجه تحلیل عاملی به شیوه مؤلفه‌های اصلی، استخراج دو عامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی بوده است. بررسی همسانی درونی نشان داده است که گویه‌های مربوط به هر عامل با نمره کل آن عامل بیشترین همبستگی معنی‌دار را دارند. در رابطه با پایایی این ابزار، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است که برای مقیاس‌های جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ بوده است (کوروش‌نیا و لطیفیان، ۱۳۸۶). در پژوهش کشتکاران^{۴۶} (۱۳۸۸) میزان آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۹ بود. هم‌چنین به منظور بررسی روایی سازه و تأیید ساختار عاملی مقیاس از روش تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش قائم استفاده شد که با توجه به داده‌ها مقدار ضریب KMO^{۴۷} (شاخص کفایت نمونه‌گیری) برابر با ۰/۸۹ و آزمون کرویت بارتللت^{۴۸} (شاخص کفایت ماتریس همبستگی) برابر ۲۴۵۴/۸۴ بود که در سطح $p < 0/001$ معنادار شد.

در پژوهش حاضر برای بررسی روایی پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی خانواده از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های به دست آمده برازش ($\chi^2/df=2/25$ ، $GFI=0/92$ ، $AGFI=0/90$ ، $CFI=0/95$ ، $IFI=0/95$ ، $NFI=0/92$ ، $RMSEA=0/05$ ، $PCLOSE=0/61$) نشان دادند که مدل تحلیل عاملی تأییدی با داده‌ها برازش مطلوبی دارد. هم‌چنین برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضرایب آلفا برای عامل هم‌نوایی ۰/۸۴ و برای عامل گفت و شنود ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه مقابله چندبعدی^{۴۹}: این پرسش‌نامه توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) تهیه شده و دارای ۴۸ گویه است که سه سبک مسئله‌مداری (۱۶ گویه)، هیجان‌مداری (۱۶ گویه) و اجتنابی (۱۶ گویه) را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری هر گویه در یک طیف ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (خیلی زیاد) قرار دارد. اندلر و پارکر (۱۹۹۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک‌های مقابله مسئله‌مدار ۰/۹۲، هیجان‌مدار ۰/۸۲ و اجتنابی ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش سپهریان‌آذر (۱۳۹۲) ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برای مقابله مسئله‌مدار ۰/۸۶، مقابله هیجان‌مدار ۰/۸۶ و مقابله اجتنابی ۰/۷۸ بوده است. هم‌چنین سپهریان‌آذر (۱۳۹۲) در پژوهش خود برای بررسی روایی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده کرد و ضمن به دست آوردن سه سبک مقابله، برازندگی کامل مدل با داده‌ها را نشان داد.

در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضرایب ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۸۲ به ترتیب برای راهبردهای مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی به دست آمد. برای بررسی روایی پرسش‌نامه هم از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های به دست آمده برازش ($\chi^2/df=1/99$ ، $GFI=0/93$ ، $AGFI=0/91$ ، $CFI=0/93$ ، $IFI=0/94$ ، $NFI=0/90$ ، $RMSEA=0/04$ ، $PCLOSE=1/00$) نشان دادند که مدل تحلیل عاملی تأییدی با داده‌ها برازش مطلوبی دارد.

پرسش‌نامه سازگاری دانشجویان با دانشگاه^{۵۱}: این پرسش‌نامه که یک مقیاس ۶۷ گویه‌ای خودگزارشی است که توسط بیکر و سیریک^{۵۱} (۱۹۸۴) ساخته شده و دارای چهار خرده‌مقیاس به نام‌های سازگاری تحصیلی (۲۴ گویه)، سازگاری عاطفی - شخصی (۱۵ گویه)، سازگاری اجتماعی (۲۰ گویه) و دلبستگی به دانشگاه (۸ گویه) است. هر گویه این مقیاس روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم)، نمره‌گذاری می‌شود. بیکر و سیریک (۱۹۸۴) آلفای کرونباخ را برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۲ تا ۰/۹۵ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۱ تا ۰/۹۰ برای سازگاری تحصیلی، ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ برای سازگاری شخصی - عاطفی، ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ برای سازگاری اجتماعی و ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ برای دلبستگی به دانشگاه گزارش کردند. در پژوهش رینیتس و تمپلار^{۵۲} (۲۰۱۳) ضرایب آلفای کرونباخ برای سازگاری تحصیلی ۰/۸۲، سازگاری اجتماعی ۰/۸۴، سازگاری شخصی - عاطفی ۰/۸۵ و دلبستگی به دانشگاه ۰/۸۵ و در پژوهش سیانگ^{۵۳} (۲۰۱۴) برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهش احیاء‌کننده و یوسفی^{۵۴} (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب برای سازگاری تحصیلی ۰/۸۵، سازگاری شخصی - عاطفی ۰/۷۵، سازگاری اجتماعی ۰/۸۲ و برای دلبستگی به دانشگاه ۰/۷۸ به دست آمد. روایی پرسش‌نامه نیز توسط بیکر و سیریک (۱۹۸۴)، از طریق تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفته و چهار عامل سازگاری تحصیلی، سازگاری شخصی - عاطفی، سازگاری اجتماعی و دلبستگی به دانشگاه به دست آمده است. احیاء‌کننده و یوسفی (۱۳۹۴) در بررسی روایی پرسش‌نامه با استفاده از روش همبستگی بین نمره خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل دامنه ضرایب همبستگی را از ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ به دست آوردند که در سطح $p < 0/01$ معنادار بودند.

در پژوهش حاضر برای روایی و پایایی پرسش‌نامه سازگاری با دانشگاه به ترتیب از تحلیل عاملی تأییدی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. شاخص‌های به دست آمده برازش ($\chi^2/df=2/61$ ، $GFI=0/97$ ، $GFI=0/93$ ، $AGFI=0/92$ ، $CFI=0/92$ ، $IFI=0/94$ ، $NFI=0/91$ ، $RMSEA=0/05$ ، $PCLOSE=0/19$) نشان دادند که مدل تحلیل عاملی تأییدی با داده‌ها برازش مطلوبی دارد. مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ برای سازگاری تحصیلی (۰/۷۱)، سازگاری شخصی - عاطفی (۰/۷۸)، سازگاری اجتماعی (۰/۷۲)، دلبستگی به دانشگاه (۰/۷۰) و نمره کل سازگاری با دانشگاه (۰/۸۷) نشانگر پایایی رضایت‌بخش پرسش‌نامه است.

در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها، از شاخص‌های آمار توصیفی (مانند میانگین و انحراف معیار) و برای بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون (مرتب‌به صفر) در نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۲۳) استفاده گردید. برای بررسی فرضیه‌ها و مدل پژوهش نیز از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS (ویرایش ۲۳) استفاده شد.

یافته‌ها

به منظور ارائه تصویری آشکار از وضعیت متغیرهای پژوهش، میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی پیرسون (مرتب‌به صفر) بین متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- الگوی ارتباطی هم‌نوایی	—					
۲- الگوی ارتباطی گفت و شنود	-.۰۲۶**	—				
۳- راهبرد مسئله‌مدار مقابله با استرس	.۰۱۰۵	.۰۲۹**	—			
۴- راهبرد هیجان‌مدار مقابله با استرس	.۰۳۵**	-.۰۱۰۵	.۰۱۲*	—		
۵- راهبرد اجتنابی مقابله با استرس	.۰۱۷**	.۰۱۷**	.۰۴۴**	.۰۳۲**	—	
۶- سازگاری با دانشگاه	-.۰۲۷**	.۰۳۳**	.۰۳۲**	-.۰۴۰**	.۰۱	—
میانگین	۳۴/۱۶	۵۰/۸۸	۵۹/۲۴	۴۵/۱۰	۴۷/۲۰	۲۱۵/۷۰
انحراف معیار	۹/۶۳	۱۴/۶۲	۱۰/۴۱	۱۱/۲۱	۱۰/۴۵	۲۷/۹۰

* $p < .05$ ، ** $p < .01$

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی با راهبرد هیجان‌مدار مقابله با استرس ($r = .035$, $P = .0001$) و راهبرد اجتنابی مقابله با استرس ($r = .017$, $P = .0001$) رابطه مثبت معنی‌دار و بین الگوی ارتباطی گفت و شنود با راهبرد مسئله‌مدار مقابله با استرس ($r = .029$, $P = .0001$) و راهبرد اجتنابی مقابله با استرس ($r = .017$, $P = .0001$) رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. در حالی که بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی با راهبرد مسئله‌مدار مقابله با استرس ($r = .017$, $P = .0001$) و بین الگوی ارتباطی گفت و شنود با راهبرد هیجان‌مدار مقابله با استرس ($r = -.0105$, $P = .0001$) رابطه منفی معنی‌دار و بین الگوی ارتباطی گفت و شنود هم‌چنین بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی ($r = -.027$, $P = .0001$) و راهبرد هیجان‌مدار مقابله با استرس ($r = .032$, $P = .0001$) با سازگاری با دانشگاه رابطه مثبت معنی‌دار و بین الگوی ارتباطی گفت و شنود ($r = .033$, $P = .0001$) و راهبرد مسئله‌مدار مقابله با استرس ($r = .032$, $P = .0001$) با سازگاری با دانشگاه رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد، اما بین راهبرد اجتنابی مقابله با استرس ($r = .01$, $P = .417$) و سازگاری با دانشگاه رابطه معنی‌دار مشاهده نشد.

برای ارزیابی الگوی پیشنهادی پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم‌افزار AMOS استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها در این مرحله نشان داد که مسیرهای مستقیم الگوی گفت و شنود به راهبرد هیجان‌مدار ($\beta = .04$, $p = .270$)، مسیر الگوی هم‌نوایی به سازگاری با دانشگاه ($\beta = -.07$, $p = .103$) و مسیر راهبرد اجتنابی به سازگاری با دانشگاه ($\beta = .02$, $p = .563$) معنی‌دار نیستند. شاخص‌های برازش مطلوبی نیز برای الگوی پیشنهادی پژوهش به دست نیامد. در نتیجه، پس از حذف مسیرهای غیرمعنی‌دار، الگوی پیرایش شده مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج در این مرحله حکایت از برازش مطلوب مدل داشت. در جدول ۲ شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی (اولیه) و الگوی نهایی پژوهش (بعد از اصلاح) آمده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی بر اساس شاخص‌های برازندگی

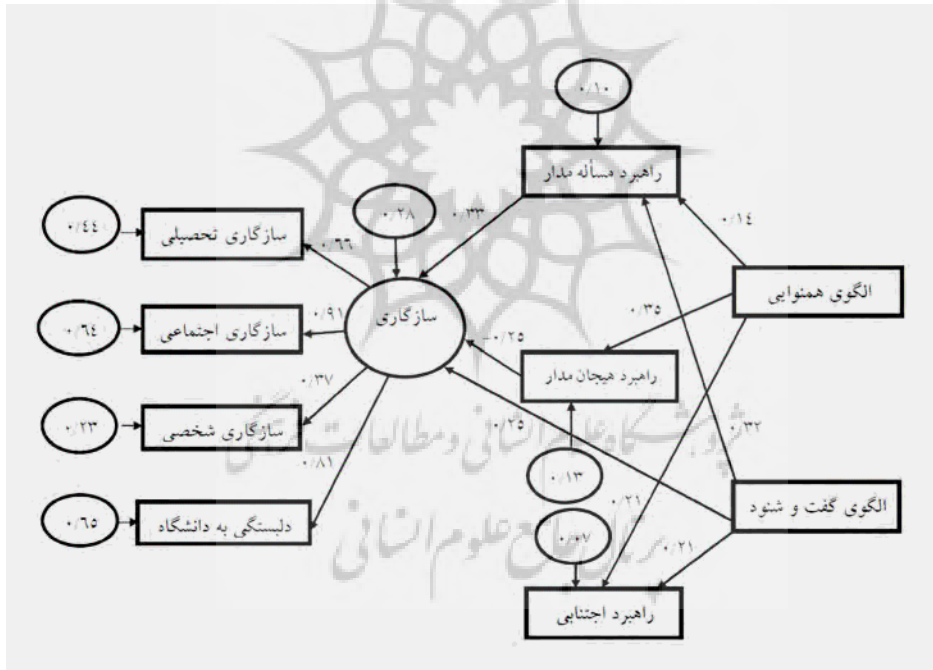
شاخص برازندگی	$2/df\chi$	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی اولیه	۲۳/۳۷	.۰۸۴۲	.۰۶۴۴	.۰۷۱۲	.۰۴۷۷	.۰۷۰۹	.۰۷۰۳	.۰۲۰۷
الگوی نهایی	۳/۰۷	.۰۹۸۱	.۰۹۴۴	.۰۹۸۰	.۰۹۵۲	.۰۹۸۰	.۰۹۷۱	.۰۰۶۳

در این راستا، جدول ۳ مسیرها و ضرایب استاندارد الگوی پیشنهادی و الگوی نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: پارامترهای اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در الگوهای پیشنهادی و نهایی پژوهش

مدل نهایی			مدل پیشنهادی			مسیرها
سطح معنی‌داری	t	برآورد استاندارد β	سطح معنی‌داری	T	برآورد استاندارد β	
۰/۰۰۰۱	۳/۲۳	۰/۱۴	۰/۰۰۰۱	۳/۲۶	۰/۱۴	از الگوی هم‌نوایی به راهبرد مسئله‌مدار
۰/۰۰۰۱	۸/۷۷	۰/۳۵	۰/۰۰۰۱	۸/۷۲	۰/۳۷	از الگوی هم‌نوایی به راهبرد هیجان‌مدار
۰/۰۰۰۱	۴/۹۹	۰/۲۱	۰/۰۰۰۱	۵/۳۴	۰/۲۳	از الگوی هم‌نوایی به راهبرد اجتنابی
۰/۰۰۰۱	۷/۵۱	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۷/۵۸	۰/۳۲	از الگوی گفت و شنود به راهبرد مسئله‌مدار
—	—	—	۰/۲۷۰	۱/۱۰	۰/۰۴	از الگوی گفت و شنود به راهبرد هیجان‌مدار
۰/۰۰۰۱	۵/۲۴	۰/۲۱	۰/۰۰۰۱	۵/۴۷	۰/۲۳	از الگوی گفت و شنود به راهبرد اجتنابی
—	—	—	۰/۱۰۳	-۱/۶۳	-۰/۰۷	از الگوی هم‌نوایی به سازگاری با دانشگاه
۰/۰۰۰۱	۵/۷۶	۰/۲۵	۰/۰۰۰۱	۴/۸۳	۰/۲۲	از الگوی گفت و شنود به سازگاری با دانشگاه
۰/۰۰۰۱	۷/۳۷	۰/۳۳	۰/۰۰۰۱	۷/۳۳	۰/۳۳	از راهبرد مسئله‌مدار به سازگاری با دانشگاه
۰/۰۰۰۱	۵/۹۸	-۰/۲۵	۰/۰۰۰۱	-۶/۵۹	-۰/۳۰	از راهبرد هیجان‌مدار به سازگاری با دانشگاه
—	—	—	۰/۵۶۳	۰/۵۷۹	۰/۰۲	از راهبرد اجتنابی به سازگاری با دانشگاه

بر اساس اطلاعات جدول ۳، تمام مسیرهای مستقیم موجود در الگوی نهایی معنی‌دار هستند. نمودار ۲ الگوی نهایی را به همراه ضرایب مسیر آن نشان می‌دهد.



نمودار ۲: ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی نهایی

برای تعیین معنی‌داری اثر غیرمستقیم، از آزمون پریچر و هیز^{۵۵} (۲۰۰۸) از طریق ماکروی این آزمون روی نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جدول ۴ نشان‌دهنده مقادیر مربوط به این مسیرها است.

جدول ۴: نتایج آزمون بوت‌استرپ برای معنی‌داری اثر متغیر واسطه‌ای

مسیر	داده	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا
الگوی ارتباطی هم‌نوایی به راهبرد مسئله‌مدار به سازگاری با دانشگاه	۰/۰۵۳۴	۰/۰۵۲۲	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۴۷۹	-۰/۰۳۹۸	۰/۱۵۰۹
الگوی ارتباطی هم‌نوایی به راهبرد هیجان‌مدار به سازگاری با دانشگاه	-۰/۳۶۴۳	-۰/۳۶۵۵	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۶۵۶	-۰/۰۵۱۴۵	-۰/۲۵۲۱
الگوی ارتباطی گفت و شنود به راهبرد مسئله‌مدار به سازگاری با دانشگاه	۰/۱۳۸۸	۰/۱۳۷۶	-۰/۰۰۱۱	۰/۰۲۸۳	۰/۰۹۳۱	۰/۲۰۸۳

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است برای مسیر الگوی ارتباطی هم‌نوایی به راهبرد هیجان‌مدار به سازگاری با دانشگاه، حد پایین فاصله اطمینان $-۰/۵۱۴۵$ تا حد بالای آن $-۰/۲۵۲۱$ است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری‌های مجدد بوت‌استرپ^{۵۶} ۱۰۰۰ است. قرار نگرفتن صفر در این فاصله اطمینان حاکی از معنی‌داری این مسیر غیرمستقیم است. هم‌چنین برای مسیر الگوی ارتباطی گفت و شنود به راهبرد مسئله‌مدار به سازگاری با دانشگاه، حد پایین فاصله اطمینان $۰/۰۹۳۱$ تا حد بالای آن $۰/۲۰۸۳$ است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری‌های مجدد بوت‌استرپ ۱۰۰۰ است. قرار نگرفتن صفر در این فاصله اطمینان حاکی از معنی‌داری این مسیر غیرمستقیم است. در ضمن قرار گرفتن صفر در حد پایین فاصله اطمینان تا حد بالای فاصله اطمینان در مسیر غیرمستقیم، الگوی ارتباطی هم‌نوایی به راهبرد مسئله‌مدار به سازگاری با دانشگاه حاکی از عدم معنی‌داری این مسیر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و سازگاری دانشجویان با دانشگاه با واسطه‌گری راهبردهای مقابله با استرس بود. نتایج حاکی از آن بود که الگوی هم‌نوایی به صورت مستقیم راهبرد مسئله‌مدار را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به این‌که در خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی والدین برای خانواده تصمیم می‌گیرند و از فرزندان انتظار می‌رود که مطابق با خواسته‌های والدین رفتار کنند (کوئتر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، این‌گونه فرزندان با پی بردن به این‌که در محیط خانه و خانواده هیچ‌گونه قدرت تصمیم‌گیری ندارند، تلاش می‌کنند در محیط خارج از خانه (دانشگاه)، با بالا بردن توانایی خود در برخورد با مسائل و حل آن‌ها (استفاده از راهبرد مسئله‌مدار)، حداقل حس استقلال و مدیریت برای زندگی شخصی را در خود به وجود آورند. الگوی هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده راهبرد هیجان‌مدار به صورت مستقیم بود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش طاهری و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. با توجه به این‌که در خانواده‌های دارای الگوی هم‌نوایی، اعضای خانواده کمتر افکار و احساسات و فعالیت‌های خصوصی و محرمانه خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند و ارزش کمی برای رشد مهارت‌های

ارتباطی قائل هستند (کوئتر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، می‌توان انتظار داشت فرزندان این خانواده‌ها در برخورد با تنش‌ها و فشارهای زندگی به صورت هیجانی رفتار نموده و تلاش بر رهاسازی خود از آشفتگی‌ها و پریشانی‌های حاصل از وقوع استرس و رسیدن به آرامش موقت و به تعویق انداختن حل مسئله داشته باشند (فیتز پاتریک و کوئتر، ۲۰۰۵). هم‌چنین الگوی هم‌نوایی توانسته بود راهبرد مقابله‌ای اجتنابی را به صورت مستقیم پیش‌بینی کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، فرزندان خانواده‌هایی که دارای الگوی ارتباطی هم‌نوا هستند، انضباط و قوانین خشک و غیرقابل تغییری را در خانواده تجربه کرده‌اند و دستورات فراوانی به آن‌ها دیکته شده است، به همین دلیل از طرف خانواده به آن‌ها فشار و استرس وارد می‌شود، بنابراین از شکست می‌هراسند و خود را درگیر حل مسائل نمی‌کنند (استفاده از راهبرد اجتنابی)، چون در صورت شکست مورد سرزنش قرار می‌گیرند.

دیگر نتایج نشان داد که الگوی گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده راهبرد مسئله‌مدار به صورت مستقیم بود. نتایج حاصل از این قسمت از پژوهش با نتایج یافته‌های اسمیت و همکاران (۲۰۰۱)، طاهری و همکاران (۱۳۹۱) همسو بود. خانواده‌های با ارتباط مؤثر (الگوی ارتباطی گفت و شنود)، در مواجهه با مسائل فرزندان خود به صورت آزادانه گفت‌وگو و ارتباط برقرار می‌کنند و تمام اعضا در حل مسائل مشارکت می‌کنند، بنابراین حل مسئله (راهبرد مسئله‌مدار) در این‌گونه خانواده‌ها به فرزندان آموخته می‌شود (کوئتر و فیتز پاتریک، ۲۰۰۲). بنابراین دور از انتظار نیست که فرزندان خانواده‌های دارای الگوی ارتباطی گفت و شنود در برخورد با موقعیت‌های استرس‌زا، از راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده نمایند. هم‌چنین الگوی گفت و شنود توانسته بود راهبرد مقابله‌ای اجتنابی را به صورت مستقیم پیش‌بینی کند. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش طاهری و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اظهار کرد که اگر مقابله مسئله‌مدار مؤثر واقع نشد، افراد به مقابله اجتنابی می‌پردازند که هدف آن کنترل ناراحتی در مواقعی است که کار چندانی از دست فرد بر نمی‌آید و از طریق اجتناب کردن از موقعیت استرس‌زا به شیوه‌های مختلف از برخورد و پرداختن به مشکل، کناره‌گیری می‌کنند و این موضوع نمی‌تواند جهت‌گیری گفت و شنود خانواده را نقض نماید، چراکه افرادی که در خانواده‌های آن‌ها جهت‌گیری گفت و شنود حکمفرماست، با تکیه بر جو خانوادگی گرم و پذیرا و حمایت‌گر، در صورتی که قادر به حل مسئله و بحران به وجود آمده نباشند، تا مدتی به صورت انفعالی عمل کرده و از طریق اجتناب کردن از موقعیت استرس‌زا به طور موقتی، حل مشکل را به زمانی مناسب‌تر موکول می‌نمایند تا در زمان مقتضی با آرامش بیشتر به مسئله‌گشایی بپردازند و این شاید به آن دلیل است که در برخی مواقع، شرایط و امکانات لازم برای حل مشکل وجود ندارد و در واقع فرد، هر آن‌چه تلاش در برطرف کردن مشکل نماید، موفقیت به گونه‌ای است که نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.

دیگر نتایج حاکی از آن بود که الگوی گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده سازگاری دانشجویان با دانشگاه بود. یافته‌ها در این قسمت با یافته‌های لطیفیان و فخاری (۱۳۹۳)؛ خانی و همکاران (۲۰۱۵)؛ شروت و همکاران (۲۰۰۷)؛ رویتر و کوئتر (۲۰۰۸)؛ تجلی و اردلان (۱۳۸۹)؛ موسوی و همکاران (۲۰۱۵) و منسا و کورانچی (۲۰۱۳) همسو است. در خانواده‌هایی با الگوی ارتباطی گفت و شنود، هر یک از اعضای خانواده فعالیت‌ها، تفکرات و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند و با هم‌فکری هم، تصمیمات مربوط به خانواده را اتخاذ می‌کنند (کوئتر و فیتز پاتریک، ۲۰۰۲). پس می‌توان گفت افرادی که در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند،

و توسط والدین پذیرفته می‌شوند، به صورت بهتری می‌توانند محیط بیرون را بپذیرند و با شرایط به طور سازگارانه‌ای تعامل داشته باشند.

در ادامه یافته‌ها نشان دادند که راهبرد مسئله‌مدار به صورت مثبت و راهبرد هیجان‌مدار به صورت منفی توانسته بودند سازگاری دانشجویان با دانشگاه را پیش‌بینی کنند. این نتایج با نتایج پژوهش‌های کمالی‌ایگلی و حسنی (۱۳۹۲)؛ سپهریان‌آذر (۱۳۹۲)؛ ضرغام حاجبی و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. طبق مدل فولکمن و لازاروس (۱۹۸۸) در فرآیند مقابله، مهارت‌های شناختی برای حل مسئله مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرد با به کار بستن سبک مقابله کارآمد مسئله‌مدار از مهارت‌های شناختی برای حل مسئله استفاده می‌کند. بر این اساس راه‌های مقابله با مشکل، مستقیماً بررسی می‌شود و معمولاً با یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مشکل رضایت روان‌شناختی حاصل می‌شود. از سوی دیگر این وضعیت باعث نظم و انسجام فکری می‌شود و آشفتگی هیجانی را کاهش می‌دهد. در سایه انسجام فکری و آرامش هیجانی به دست آمده منبع استرس نیز بهتر شناسایی می‌گردد و ممکن است قابل کنترل ارزیابی شود. شناخت منبع کنترل از یک سو و قابل کنترل ارزیابی کردن آن از سوی دیگر به افزایش سلامت روانی (از ابعاد سازگاری عاطفی - شخصی) کمک می‌کند. کارور و کانر - اسمیت^{۵۷} (۲۰۱۰) معتقد هستند راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار دارای ابعادی است که برخی از آن‌ها عبارتند از: فعال بودن، داشتن برنامه‌ریزی، پیشگیری از فعالیت‌های مزاحم، جلوگیری از مقابله عجولانه با مشکل و جست‌وجوی حمایت اجتماعی. پس می‌توان گفت فردی که از این راهبرد (مسئله‌مدار) استفاده می‌کند، با توجه به فعال بودن، داشتن برنامه‌ریزی و... در عملکردهای مختلف (تحصیلی، اجتماعی و عاطفی) و به طور کلی سازگاری، موفق خواهد بود.

از طرفی، فردی که از راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار استفاده می‌کند، راهبرد مؤثر و فعالانه با مسئله را در پیش نمی‌گیرد، بلکه با اتکای به هیجانات و راهبردهای تسکینی و موقتی تلاش دارد، اهمیت مسئله و موضوع را به حداقل برساند و این باعث می‌شود که در بیشتر امور و کسب موفقیت با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود و کاهش عملکرد از پیامدهای ناگوار چنین حالتی خواهد بود (کارور و کانر - اسمیت، ۲۰۱۰). پس می‌توان نتیجه گرفت افرادی که از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار استفاده می‌کنند، در عملکردهای مختلف و سازگاری با محیط ناموفق هستند.

دیگر یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای راهبرد هیجان‌مدار در رابطه بین الگوی هم‌نوایی و سازگاری با دانشگاه است. جهت‌گیری ارتباطی هم‌نوایی به این معناست که ارتباطات خانواده بر همسان بودن نگرش‌ها، عقاید، اجتناب از تعارض و وابستگی اعضای خانواده با یکدیگر تأکید دارد و عدم پذیرش استقلال‌طلبی نوجوانان را در پی دارد (فیتزپاتریک و کوئتر، ۲۰۰۵). در مواردی که دانشجو باید خود را با شرایط خانواده وفق دهد و اطاعت بی‌چون و چرا از والدین داشته باشد، او از شخصیتی پخته برخوردار نخواهد شد (منسا و کورانچی، ۲۰۱۳) پس با مواجه شدن با مسائل و فشارهای روزمره از راهبردهای هیجانی (هیجان‌مدار) استفاده کرده و رفتاری متناسب با محیط از خود نشان نمی‌دهد. بر این اساس در خانواده‌هایی با ارتباط بسته یا الگوی ارتباطی هم‌نوایی که امکان آزاداندیشی و آزدیستی شخص وجود ندارد، فرد از سازگاری مناسبی برخوردار نخواهد شد (منسا و کورانچی، ۲۰۱۳) و نمی‌تواند در حوزه تحصیل و دانشگاه نیز فردی موفق و سازگار باشد (ژیا، ۲۰۱۰). هم‌چنین یافته‌ها نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای راهبرد مسئله‌مدار در

رابطه بین الگوی گفت و شنود و سازگاری با دانشگاه بود. ویژگی بارز خانواده‌هایی با گفت و شنود بالا، داشتن روابط گرم، صمیمی و آزادی در بیان احساسات و صحبت با محوریت مشورت مستمر است. بر این اساس، فرزندان در این خانواده‌ها احساس می‌کنند مورد پذیرش خانواده‌اند و نظر و ایده آن‌ها از رکن‌های تصمیم‌گیری در خانواده است (فیتزپاتریک و کوئتر، ۲۰۰۵؛ شروت و همکاران، ۲۰۰۷). پس، از مواجهه با مسائل و چالش‌های مختلف، واهمه نداشته و سعی بر حل آن دارند (راهبرد مسئله‌مدار). در نتیجه شاهد توانایی انطباق، سازگاری و عملکرد مناسب‌تری از آن‌ها خواهیم بود.

بدین ترتیب در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که اثر الگوهای ارتباطی خانواده بر سازگاری دانشجویان با دانشگاه متفاوت است. بدین صورت که جهت‌گیری گفت و شنود در خانواده از طریق اثرگذاری بر راهبرد مسئله‌مدار موجب سازگاری مثبت و سازنده و جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده از طریق اثرگذاری بر راهبرد هیجان‌مدار موجب سازگاری منفی و غیرسازنده فرزندان می‌شود. این یافته‌ها بیانگر آن است که هرچه محیط خانواده بیشتر شرایط گفت‌وگوی راحت را درباره طیف وسیعی از موضوعات فراهم آورد و برای در میان گذاشتن افکار و احساسات اعضای خانواده وقت بیشتری گذاشته شود، احتمال این‌که فرزندان آن‌ها در برخورد با مسائل و مشکلات از راهبردهای مناسب استفاده کرده و بتوانند با محیط خود سازگار باشند، بیشتر خواهد بود. با توجه به این امر، برگزاری جلسات آموزشی برای والدین و به‌کارگیری الگوی ارتباطی مؤثر در خانواده پیشنهاد می‌شود. همچنین، آموزش سبک‌های مقابله‌ای کارآمد، برای سازگاری و بهبود شرایط زندگی دانش‌آموزان و دانشجویان و کاربردی ساختن این آموزش‌ها در زندگی به سازمان ملی جوانان، وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی از دیگر پیشنهاد‌های این پژوهش است.

از محدودیت‌های این پژوهش، انجام آن در نمونه‌ای متشکل از دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد بهبهان است که تعمیم یافته‌های به دست آمده را به دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها و نیز دوره‌های تحصیلی دیگر با احتیاط همراه می‌کند. محدودیت دیگر، استفاده از پرسش‌نامه به عنوان ابزار خودگزارشی برای جمع‌آوری اطلاعات است که می‌تواند احتمال سوگیری داده‌ها را به همراه داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Lubker & Etzel
2. Students' Adjustment
3. Backer
4. Academic Adjustment
5. Social Adjustment
6. Personal-Emotional Adjustment
7. Institutional Attachment
8. Family Communication Patterns
9. Fitzpatric & Koener
10. Conformity
11. Dialogue
12. Latifian & Fakhary
30. Rajesh Kumar
31. Kamali & Hasani
32. Ghazanfari & Kadampoor
33. Gonzales, Tein, Sandler & Friedman
34. Sepehran Azar
35. Smedema, Catalano & Ebener
36. Zargham Hajebi, Naeimian & Arsanjani
37. Smith, Prinz, Dumas & Laughlin
38. Taheri, Zandi Ghashghaei & Honarparvaran
39. Structural Equation Modeling (SEM)
40. Random Multi-Stage Cluster Sampling Method

- | | |
|--|---|
| 13. Hajizadeh, Refahi, Tabe Bordbar, & Haghghi | 41. Kline |
| 14. Schrodt, Ledbetter & Ohrt | 42. Family Communication Pattern-Revised |
| 15. Khani, Sadeghi Fard & Boroomand | 43. Ritchie & Fitzpatric |
| 16. Xia | 44. Koroushnia & Latifian |
| 17. Tajalli & Ardalan | 45. Exploratory Factor Analysis |
| 18. Rueter & Koener | 46. Keshtkaran |
| 19. Mousavi, Taran, Ebrahimi, Shir Mohammadi & Kalantari | 47. Kaiser-Meyer Olkin |
| 20. Rosta, Esfandiari Bayat & Ayyazi Nia | 48. Bartlet's Test of Sphercity |
| 21. Mensah & Kuranchie | 49. Multidimensional Copying Inventory |
| 22. Coping With Stress | 50. Student Adaptation to College Questionnaire |
| 23. Seyedfatemi, Tafreshi & Hagani | 51. Backer & Siryk |
| 24. Abdullah, Elis, Uli & Mahyuddin | 52. Rienties & Tempelaar |
| 25. Lazarus & Folkman | 53. Seong |
| 26. Parker & Endler | 54. Ehyakonandeh & Yousefi |
| 27. Task-Oriented Coping | 55. Preacher & Hayes |
| 28. Emotion-Orientd Coping | 56. Bootstrap |
| 29. Avoidance-Oriented Coping | 57. Carver & Connor-Smith |

منابع

- احیاء‌کننده، م. و یوسفی، ف. (۱۳۹۴). بررسی نقش سبک‌های هویت و حمایت اجتماعی در سازگاری دانشجویان با دانشگاه. *سومین کنفرانس روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران*.
- تجلی، ف. و اردلان، ا. (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی. *مجله روان‌شناسی، ۱۱۴(۱)، ۶۲-۷۸*.
- سپهریان‌آذر، ف. (۱۳۹۲). رابطه هوش هیجانی، شیوه‌های مقابله با استرس و هوش عمومی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۲(۹)، ۳۲-۳۳*.
- طاهری، ر.، زندی‌قشقای، ک. و هنرپروران، ن. (۱۳۹۱). مقایسه رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خودپنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز. *ارمغان دانش، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۱۷(۴)، ۳۵۹-۳۶۹*.
- غضنفری، ف. و قدم‌پور، ع. (۱۳۸۷). بررسی رابطه راهبردهای مقابله‌ای با سلامت روانی در ساکنین شهر خرم‌آباد. *فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۱۰(۳۷)، ۴۷-۵۴*.
- کشتکاران، ط. (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۳۹)، ۴۳-۵۳*.
- کمالی‌انگلی، س. و حسینی، ف. (۱۳۹۲). رابطه راهبردهای مقابله با استرس و هوش هیجانی با سلامت روان، در دانش‌آموزان دختر شرکت‌کننده در کلاس‌های کنکور. *مجله علوم رفتاری، ۱۷(۱)، ۴۹-۵۶*.
- کوروش‌نیا، م. و لطیفیان، م. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده. *فصلنامه خانواده-پژوهی، ۳(۱۲)، ۸۵۵-۸۷۵*.
- لطیفیان، م. و فخاری، ن. (۱۳۹۳). نقش میانجی‌گری تمایزافتگی خود در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۸(۲۶)، ۶۵-۸۳*.

- Abdullah, M., Elis, H., Uli, J., & Mahyuddin, R. (2010). Relationship between coping, university adjustment and academic achievement among first year undergraduates in a Malaysian Public University. *International Journal of Art and Sciences*, 3(11), 379-392.
- Baker, R. W. (2004). Research Using the Student Adaptation to College Questionnaire (SACQ). Available on: *Dostupna: http://www.mtholyoke.edu/lits/csit/baker/(pristupljenou maju/svibnju 2008)*.
- Baker, R. W., & Siryk, B. (1984). Measuring Adjustment to College. *Journal of Counseling Psychology*, 31(2), 179-189.
- Carver, C. S., & Connor-Smith, J. (2010). Personality and coping. *Annual Review of Psychology*, 61, 679-704.
- Ehyakonandeh, M., & Yosefi, F. (2016). [The role of identity styles and social support in students' adjustment to college]. *The 3rd Iranian Conference on Psychology and Behavioral Sciences*, Tehran [in Persian].
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 844-854.
- Fitzpatrick, M. A., & Koener, A. F. (2005). Family communication schema effect on children's resiliency. In S. Dunwoody, L. Becker, D. McLeod, & G. Kosick (Eds.), *the evolution of key mass communication concepts: Honoring Jack M. McLeod* (pp. 113-138). Cresskill, NJ: Hampton.
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family. *Human Communication Research*, 20(3), 275-301.
- Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1988). *Manual for the ways of coping questionnaire*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists.
- Ghazanfari, F., & Kadampoor, A. (2008). [The relationship between mental health and coping strategies in citizenship of Khoramabad city]. *The Quarterly Journal of Fundamentals of Mental Health*, 10(37), 47-54 [in Persian].
- Gonzales, N. A., Tein, J. Y., Sandler, I. N., & Friedman, R. J. (2001). On the limits of coping: Interaction between stress and coping for inner-city adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 16(4), 372-395.
- Hajizadeh, H., Refahi, Z., Tabe Bordbar, F., & Haghighi, H. (2012). Relationship between family communication patterns with creativity and the sense of competence of the pre-university male students in Bandar Abbas. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 2(5), 260-266.
- Kamali, S., & Hasani, F. (2013). [Mental health and its relationship with stress coping strategies and emotional intelligence in female students at pre-university level]. *Journal of Behavioral Sciences*, 7(1), 49-56 [in Persian].
- Keshtkaran, T. (2009). [The relationship between family communication patterns which resiliency among students of Shiraz University]. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 11(39), 69-88 [in Persian].
- Khani, F., Sadeghi Fard, M., & Boroomand, R. (2015). A study on the role of family communication patterns on slow learners' academic achievement in the city of bandar abbas. *Academic Journal of Psychological Studies*, 4(3), 168-174.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd Ed.). NY: Guilford.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association Journal*, 26(1), 36-65.

- Koroushnia, M., & Latifian, M. (2008). [An investigation on validity and reliability of revised family communication patterns instrument]. *Journal of Family Research*, 3(12), 855-875 [in Persian].
- Latifian, M., & Fakhary, N. (2014). [The mediating role of differentiation of self in relationship of family communication patterns and mental health]. *The Cultural-Educational Journal of Women and Family*, 8(26), 65-83 [in Persian].
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). Coping and Adaptation. In W. D. Gentry (Ed.), *the Handbook of Behavioral Medicine* (pp. 282-325). New York: Guilford.
- Lubker, J. R., & Etzel, E. F. (2007). College adjustment experiences of first-year students: disengaged athletes, nonathletes, and current varsity athletes. *Journal of Student Affairs Research and Practice*, 44(3), 37-41.
- Mensah, M. K., & Kuranchie, A. (2013). Influence of parenting styles on the social development of children. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(3), 123-129.
- Mousavi, S. H., Taran, H., Ebrahimi, A., Shir Mohammadi, M., & Kalantari, S. (2015). The relationship between family functioning and social competence among students. *International Journal of Academic Research in Psychology*, 2(1), 80-86.
- Parker, J. D. A., & Endler, N. S. (1992). Coping with coping assessment: A critical review. *European Journal of Personality*, 6(5), 321-344.
- Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior Research Methods*, 40, 879-891.
- Rajesh Kumar, N. (2011). Stress and coping strategies among nursing students. *Nursing and Midwifery Research Journal*, 7(4), 141-151.
- Rienties, B., & Tempelaar, D. (2013). The role of cultural dimensions of international and Dutch students on academic and social integration and academic performance in the Netherlands. *International Journal of Intercultural Relations*, 37(2), 188-201.
- Ritchie, L. D., & Fitzpatrick, M. A. (1990). Family Communication Patterns: Measuring Intrapersonal Perceptions of Interpersonal Relationships. *Communication Research*, 17(4), 523-544.
- Rousta, Z., Esfandiari Bayat, D., & Ayyazi Nia, A. (2014). A comparison of family communication patterns and time management between two groups of students with either academic success or failure. *Journal of Novel Applied Sciences*, 3(8), 908-914.
- Rueter, M. A., & Koerner, A. F. (2008). The effect of family communication patterns on adopted adolescent adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 70(3), 715-727.
- Schrodt, P., Ledbetter, A. M., & Ohrt, J. K. (2007). Parental confirmation and affection as mediators of family communication patterns and children's mental well-being. *Journal of Family Communication*, 7, 23-46.
- Seong, C. (2014). College freshmen's self-efficacy, effort regulation, perceived stress and their adaptation to college. *Asian Journal of Humanities and Social Sciences*, 2(2), 107-117.
- Sepehrian Azar, F. (2014). [Surveying relation of emotional intelligence, coping strategies against stress, and general intelligence with pre-university students' academic achievement]. *Clinical Psychology and Personality*, 20(9), 23-32 [in Persian].
- Seyedfatemi, N., Tafreshi, M., & Hagani, H. (2007). Experienced stressors and coping strategies among Iranian nursing students. *BMC Nursing*, 6(11), Doi: 10.1186/1472-6955-6-11
- Smedema, M. S., Catalano, D., & Ebener, J. D. (2010). The relationship of coping, self-worth, and subjective well-being: structural equation model rehabilitation. *Counseling Bulletin*, 53, 131-142.

- Smith, E. P., Prinz, R. J., Dumas, J. E., & Laughlin, J. (2001). Latent models of family processes in African American families: Relationships to child competence, achievement, and problem behavior. *Journal of Marriage and Family*, 63(4), 967-980.
- Taheri, R., Zandi Ghashghaei, K., & Honarparvaran, N. (2012). [The comparison of relationship between family communication patterns and self concept with coping styles in male and female students]. *Armaghan-e-Danesh, Yasuj University of Medical Sciences*, 17(4), 359-369 [in Persian].
- Tajalli, F., & Ardalan, E. (2010). [Relation of family communication patterns with self-efficacy and academic adjustment]. *Journal of Psychology*, 14(1), 62-78 [in Persian].
- Xia, N. (2010). *Family factors and student outcomes*. Santa Monica, CA: Rand Corporation.
- Zargham Hajebi, M., Naeimian, N., & Arsanjani, M. (2015). A study on role of personality traits and stress coping styles in mental wellbeing of students. *Buletin Teknologi Tanaman*, 12(2), 381-386.

